

Content analysis of reformist and fundamentalist newspaper editorials from the perspective of emphasizing the values of modernization

(Case study: KAYHAN and ETEMAD newspapers)

Javad Sadeghi Jafari ¹

Received Date: 27 Oct 2020

Farzaneh Ahmadi Zahrani²

Reception Date: 23 Jan 2021

Review:

The subject of this article is the study of the reflection of modernization values in the newspapers of the two main political factions of the country. The values of "rationality, participation, tolerance, equality, individualism, public trust and environment" are defined as the cultural values of modernization and in the editorials of Kayhan and Etemad newspapers as exemplary newspapers of the two political factions of the country, Quantitative content analysis was performed. For this purpose, 40 issues of each newspaper in 1997 were systematically selected randomly. The results of the study showed that 70% of the editorials of Kayhan newspaper are dedicated to foreign policy. In Etemad newspaper, 32.5% of the topics were related to domestic issues and only 20% were related to foreign policy. The study of semantic words also shows that the word equality has been repeated 110 times in both newspapers, of which 72 frequencies were related to the reformist newspaper and 38 frequencies were related to the fundamentalist newspaper. The value of rationality and its equivalent words has 25 frequencies in Kayhan newspaper and 18 frequencies in Etemad newspaper. In general, the values of modernization are significantly more reflected in the reformist newspaper.

Keywords: modernization, political factions, cultural values, reformist, fundamentalist, Kayhan newspaper, Etemad newspaper

¹Assistant Professor of Sociology, Department of Cultural and Media

Management, Faculty of Culture and Communication, Soore University. Tehran, Iran. sadeghi@soore.ac.ir
(Corresponding author)

²M. A. in Propaganda and Communication, Soore University, Tehran, Iran. F.ahmadi64@gmail.com

تحلیل محتوای سرمقاله‌ی روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا از منظر تاکید بر ارزش‌های نوسازی

(مورد مطالعه: روزنامه‌های کیهان و اعتماد)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶

جواد صادقی جعفری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴

فرزانه احمدی زهرانی^۲

چکیده

بررسی انعکاس ارزش‌های نوسازی در روزنامه‌های دو جناح اصلی سیاسی کشور موضوع این نوشتار بوده است. ارزش‌های «عقلانیت، مشارکت، تساهل، برابری، فردگرایی، اعتماد عمومی و محیط زیست» به عنوان ارزش‌های فرهنگی نوسازی تعیین و در سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان و اعتماد به عنوان روزنامه‌های منتخب از دو جناح سیاسی کشور، با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی بررسی شد. به این منظور به صورت تصادفی سیستما تیک ۴۰ شماره از هر یک از روزنامه‌ها در سال ۹۷ انتخاب شد. نتایج حاصل از بررسی نشان داد ۷۰ درصد سرمقاله‌های روزنامه کیهان به مقوله سیاست خارجی اختصاص یافته است. در روزنامه اعتماد، ۳۲.۵ درصد مقوله‌ها مربوط به مسائل داخلی بوده و تنها ۲۰ درصد به مقوله سیاست خارجی پرداخته است. بررسی واژه‌های معنایی نیز حاکی از آن است که واژه برابری ۱۱۰ مرتبه در هر دو روزنامه تکرار شده است که ۷۲ فراوانی به روزنامه اصلاح‌طلبان و ۳۸ فراوانی مربوط به روزنامه اصولگرایان بوده است. ارزش عقلانیت و کلمه‌های هم‌ردیف آن، ۲۵ فراوانی در روزنامه کیهان و ۱۸ فراوانی در روزنامه اعتماد دارد. به طور کلی ارزش‌های نوسازی به‌طور معنی‌داری در روزنامه اصلاح‌طلبان انعکاس بیشتری دارد.

کلیدواژه‌ها: نوسازی، جناح‌های سیاسی، ارزش‌های فرهنگی، اصلاح‌طلب، اصولگرا، روزنامه اعتماد، روزنامه کیهان

^۱ استادیار جامعه‌شناسی، گروه مدیریت فرهنگی و رسانه، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه

سوره، تهران، ایران. sadeghi@soore.ac.ir (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد تبلیغ و ارتباطات، دانشگاه سوره، تهران، ایران. F.ahmadi64@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

مسئله‌مندی فرایند نوسازی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران در رویکرد علمی با ادبیات و تعبیر متفاوتی توصیف شده است. «شبه نوسازی» (کاتوزیان، ۱۳۷۲)، «مقاومت شکننده» (فوران، ۱۳۸۳)، «نوسازی متناقض» (آبراهمیان، ۱۳۸۷)، و «جامعه کژمدرن» (جلائی پور، ۱۳۹۲) برخی از تعبیر به کار گرفته شده برای نشان دادن افت و خیزهای روند نوسازی و توسعه ایران است. برای تبیین این وضعیت نیز محققان رویکردهای متفاوتی را انتخاب و حسب علائق پارادایمی، سعی در توضیح این مسئله نموده‌اند. از نگاه علمی، تحلیل ضعف‌ها و قوت‌های ساختارهای جامعه در این میان نقش اساسی را ایفا می‌کند. بدین ترتیب ساختارهای سیاسی، اقتصادی، شرایط اقلیمی و جغرافیایی، روند و اتفاقات تاریخی و ساختارها و مختصات فرهنگی و سنن و اخلاقیات برجسته‌سازی شده است.

چنانچه گفته شد مختصات و به عبارتی ضعف‌های فرهنگی، فکری و رفتاری اعضای جامعه یا به گفته توکویل (۱۳۹۳) «عادات قلبی» در نظر برخی از دانشوران نقطه برجسته قابل تامل در این رابطه است؛ از جمالزاده (۱۳۴۵) در کتاب «خلقیات ما ایرانیان» تا فراستخواه (۱۳۹۴) در کتاب «ما ایرانیان» رفتار و فرهنگ جامعه به عنوان ضعف ساختاری تحقق و پیشرفت توسعه کانون توجه قرار گرفته و ویژگی‌هایی چون دروغ‌گویی و نفاق، ضعف در مشارکت، رفتارهای احساسی و هیجانی، عدم اعتماد به خود و دیگران، خودمداری و خودنمایی، نگاه کوتاه‌مدت، بی‌اعتقادی به کار و تولید و برنامه‌ریزی، عقلانیت‌گریزی، و... از مصادیق ضعف‌های فرهنگی مانع توسعه در جامعه ایرانی مطرح شده است (قاضی مرادی، ۱۳۷۸، غنی نژاد، ۱۳۸۲، نراقی، ۱۳۸۸، محمدی اصل، ۱۳۹۰، چلپی، ۱۳۹۲، فراستخواه، ۱۳۹۴).

اما فرهنگ خود پدیده پیچیده‌ای است متأثر از عوامل درهم تنیده جغرافیا، تاریخ، اقلیم، اقتصاد، سیاست، فرم و محتوای نهادها و کنش نخبگان و سرامدان جامعه. همینطور پیشرفت‌های تکنولوژی و گسترش ارتباطات و تعامل اجتماعی با سایر جوامع در تغییرات فرهنگی تاثیرگذاری دارند. در این میان تولید و اشاعه جهان بینی به واسطه نخبگان سیاسی، اجتماعی و مذهبی در سطح فردی و گروهی و در قالب احزاب و جریان‌های سیاسی بر رفتار و کنش پیروان و علاقه‌مندان نقش غیر قابل انکاری دارد. کنشگران سیاسی از طریق رسانه‌ها و ابزارهای در اختیار و پیوند نزدیک با قدرت می‌توانند در تنظیم افکار عمومی و تغییرات فرهنگی (در جهت یا خلاف جهت ارزش‌های توسعه) اثرگذار شوند.

در دهه‌های اخیر جناح‌های سیاسی موسوم به «اصلاح طلب» و «اصولگرا» توانسته‌اند در سامان‌دهی و تنظیم افکار عمومی حضور فعال داشته باشند. این اثربخشی از طریق نشستن بر سریر قدرت و اعمال و تنظیم قوانین و طرح‌ها و لوایح از یک سو و مهم تر از آن شکل دادن به گفتمان‌های ویژه در

خصوص چگونگی زیستن و حکمرانی بوده است. اگرچه نمود حداکثری جناح‌های سیاسی معمولاً در جریان انتخابات و تسلط بر قدرت جلوه‌گر است، لیکن ترویج دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی و به عبارتی فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌های در اختیار گروه‌های همسو، جریانی مستمر است.

این فرهنگ‌سازی با توجه نظریات و آرای این دو جناح در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و ... صورت می‌گیرد و هر کدام از دو گروه در پی نشر و ترویج دیدگاه‌های خود هستند تا با همراه‌سازی بیشتر افکار عمومی قدرت چانه‌زنی خود را در صحنه سیاسی کشور بالا ببرند و عرصه‌های اجرایی و قانونگذاری را نیز از مسیر هموارتری در دست بگیرند. تفکرات دو جناح اصولگرایان و اصلاح‌طلبان، در برخورد با مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی با هم تفاوت‌هایی دارد. این تفاوت‌ها در رسانه‌های آنها جلوه‌گر می‌شود و در «تبلیغات سیاسی» و بعدتر در عملکرد و شیوه حکمرانی‌شان نمود پیدا می‌کند. نخبگان سیاسی از طریق در اختیار گرفتن نهادهای اجتماعی همچون مدارس و آموزش و پرورش، نهادهای مذهبی، رسانه‌هایی چون صدا و سیما، در اختیار گرفتن نهادهای تولید هنر و به تعبیر گرامشی تسلط بر «نهادهای مدنی» نسبت به اجتماعی کردن افراد و اشاعه ارزش‌ها و هنجارهای خاصی اقدام می‌کنند. به قول جونل شارون (۱۳۹۵) نمی‌توان پذیرفت که فرهنگ تحت تاثیر سیاست و قدرت نیست و تنها بر اساس نیازمندی‌ها و اصول کارکردگرایی تغییر می‌کند.

جناح‌ها و احزاب سیاسی تنها قدرت و مناصب سیاسی را دست به دست نمی‌کنند، بلکه آنها در ساختن دیدگاه فرهنگی، مذهبی و اقتصادی شهروندان تاثیرگذارند. جناح‌های سیاسی با نقد وضعیت موجود و ساختن آرمان‌ها برای «جامعه نیک»^۱ ذهنیت‌ها و خواست‌ها را شکل می‌دهند و فرصت‌ها را برای حرکت جامعه بسیج می‌کنند. حال بحث بر سر این است که جریان‌ها و جناح‌های سیاسی سهم در قدرت چگونه ارزش‌هایی را در جامعه بسط می‌دهند؟ و چنانچه بپذیریم که جریان نوسازی در بستر فرهنگی متناسب روند سریعتر و کم هزینه‌تری را طی می‌کند؛ جریان‌ها و جناح‌های سیاسی هر کدام بیشتر بر کدام دسته از ارزش‌ها تاکید دارند؟ با این وصف در این مقاله با انتخاب دو روزنامه پرتیراژ به نمایندگی از دو جناح عمده سیاسی فعال، یعنی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، نحوه و کمیت بازتاب ارزش‌های فرهنگی نوسازی بررسی و واکاوی شده است.

پرسش‌های تحقیق

- ۱) سرمقاله‌های روزنامه‌های اصلاح طلب و اصول گرا در تم اصلی خود، چه میزان به مقوله فرهنگ پرداخته اند؟
- ۲) سرمقاله‌های روزنامه‌های اصلاح طلب و اصول گرا چه میزان ارزش‌های نوسازی (برابری، تساهل،...) را انعکاس داده اند؟

الف. نوسازی و فرهنگ

در این نوشتار نوسازی در قدم اول به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده که تحت تاثیر متغیر مستقل فرهنگ قرار می‌گیرد؛ در این بخش از نظریه‌هایی استفاده شده که این رابطه را مشخص و ارزش‌های فرهنگی نوسازی را نمایان می‌کنند. بر این مبنا مشاهده و سنجش و مقایسه روزنامه‌های دو جناح انجام شده است. از سوی دیگر فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی خود تحت تاثیر متغیر سیاست و نخبگان سیاسی در نظر گرفته شده است؛ از این رو به نظریه‌های توضیح‌دهنده این گزاره اشاره شده است.

دو توکویل در نیمه اول قرن نوزدهم رابطه فرهنگ را با توسعه سیاسی (دموکراسی) با مطالعه عمیق جامعه آمریکا برجسته کرد و نشان داد که چگونه باورها، ارزش‌ها و خلیقات مردم آمریکا در ثبات و تحقق دموکراسی در آن کشور نقش اساسی داشته است. وی اعتقاد به اصل مساوات و برابری در مردم، اعتقاد به این اصل که خداوند به همه افراد آن قدر عقل داده که بتواند در مورد امور شخصی‌اش تصمیم بگیرد (عقلانیت)، شعور و فهم سیاسی بالا در مردم، مشارکت سیاسی ناشی از روحیه دهستانی، آشنایی مردم با حقوق سیاسی‌شان، روحیه عمل‌گرایی، وجود وطن‌پرستی معقول، عقیده به تغییر و استقبال از آن، عقیده به اینکه جامعه قابل اصلاح شدن است، باور به تقدم منافع جمعی به منافع فردی را از جمله عادات و اخلاقیات مقوم دموکراسی در آمریکا می‌داند (توکویل، ۱۳۹۳).

در میان جامعه شناسان کلاسیک مارکس با نظریه معروف خود مبنی بر موجبیت داشتن شرایط و روابط تولید (اقتصاد) و رو بنا بودن فرهنگ و سیاست به عامل اقتصاد در نظریه نوسازی پافشاری کرد. در اندیشه مارکس فرهنگ چندان عامل مستقلی به حساب نمی‌آید و بلکه نوسازی و تغییر تکاملی جوامع از نقطه اقتصاد و تغییر در تکنیک‌های تولیدی آغاز می‌شود، سپس فرهنگ متأثر از تغییرات حوزه اقتصاد تغییر یافته و خود را هماهنگ با شرایط تولیدی هر عصر سامان می‌دهد. نگاه بدبینانه مارکس به فرهنگ از این جهت است که اقتصاد در تسلط اصحاب سرمایه و طبقه بورژوا قرار دارد و همین طبقه فرهنگ یا به زعم مارکس ایدئولوژی را متناسب حفظ منافع طبقه خود تنظیم می‌کند.

و بر که به زعم شارون (۱۳۹۵) جامعه‌شناس فرهنگی به حساب می‌آید، در مخالفت با مارکس فرهنگ را متغیر مستقل در فرایند نوسازی قلمداد کرد و در رساله «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» رابطه فرهنگ (ارزش‌های دینی) و شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری را در اروپا مورد بحث دقیق قرار داد. او توضیح

داد که چگونه ارزش‌های فرهنگی «پیوریتن‌ها» و نگاه آنها به رستگاری اخروی و راه‌های تشخیص آن در زندگی دنیوی، نطفه سرمایه‌داری را در اروپا به وجود آورد و چگونه ارزش‌های کنفوسیوسی در چین نتیجه عکس را رقم زد... (فروند، ۱۳۸۳). عقلانیت^۲ از نظر وبر مقدم بر نوسازی و خود متاثر از نوسازی است. گسترش عقلانیت از نوع «عقلانیت ابزاری» موجب توسعه دیوانسالاری در زندگی بشر امروزی است.

زیمل دیگر اندیشمند کلاسیک تاثیر نوسازی را بر فرهنگ و روابط اجتماعی در آثار خود پیگیری کرد. از نظر زیمل نوسازی موجب استقلال فردی و رفع موانع سنتی کنش و توسعه فردگرایی شده است. تغییر در روابط انسان‌ها در اثر پدیده پول و محاسبه‌پذیری دقیق‌تر تعاملات انسانی، تغییرات روانی در انسان شهرنشین در اثر قرار گرفتن در معرض اطلاعات و مد و مدگرایی به عنوان برخی از مهم‌ترین پیامدهای نوسازی مورد توجه زیمل قرار گرفته است (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴). این خط فکری سپس در تفکرات پارسونز با مهم جلوه دادن زیر سیستم فرهنگ در طرح معروف به اجیل ادامه یافت. پارسونز در نقد از نظریه‌هایی چون الگوی انسان اقتصادی، نظریه بازی و نظریه مبادله، فرهنگ را به عنوان متغیر اثرگذار در نظر گرفت. وی تغییر از جامعه پیشامدرن به مدرن را در تغییرات فرهنگی در قالب «متغیرهای الگویی»^۳ مطرح ساخت. جزءگرایی در برابر کل‌گرایی، تاثیرپذیری در برابر بی‌طرفی تاثیرگذار، جمع‌گرایی در برابر فردگرایی، عمومیت در برابر اختصاص، انتساب در برابر دستاورد پنج الگوی ارزشی برای ارزیابی روند نوسازی در جوامع هستند. پارسونز از «فردگرایی نهادمند» به عنوان محصول نوسازی و الگوهای ارزشی فوق به نیکی یاد می‌کرد و آنها را توسعه دهنده عدالت، انصاف و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌پنداشت (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۶).

در میان معاصران توجه به فرهنگ به عنوان متغیر مستقل در تبیین پدیده‌های اجتماعی و توسعه و نوسازی قوت گرفته است. پاتنام با ارائه نظریه «وابستگی به مسیر»^۴ نشان داده است که چگونه تفاوت در سنت‌های فرهنگی مردم مناطق شمال و جنوب ایتالیا سبب شده تا برنامه‌های توسعه، علی‌رغم توزیع متناسب بودجه و امکانات از سوی دولت مرکزی برای شمال و جنوب، به طور متفاوتی پیشرفت کند. او در این نظریه معتقد است که نقاط عطف تاریخی می‌تواند نتایج به شدت دیرپایی داشته باشد (پاتنام، ۱۳۹۲: ۳۰۹). وی ارزش‌های مدنی را در سنت فرهنگی شمال مورد نظر داشته و و به فعال‌گرایی و مشارکت مدنی مردم به عنوان یک پدیده مهم می‌نگرد و می‌نویسد: «شهروندان در یک جامعه مدنی اگرچه قدیسان فارغ از خود نیستند، اما حوزه عمومی را چیزی بیش از عرصه منازعه‌ای برای تعقیب منافع شخصی می‌دانند» (پاتنام، ۱۳۹۲: ۱۵۷). این محقق برابری سیاسی، همبستگی، اعتماد، تساهل و زندگی انجمنی را عوامل فرهنگی مهم

در پیشرفت و توسعه سیاسی معرفی می‌کند. پاتنام از آن دسته اندیشوران اجتماعی است که عوامل جمع-گرایی و جامعه‌گرایی را در مقابل استقلال‌گرایی و فردگرایی برجسته می‌سازد.

فیلیپ اسمیت و جفری الکساندر در آمریکا با متمرکز شدن بر روش "هرمنوتیک ساختاری"^۵ پارادایمی را تحت عنوان «جامعه‌شناسی فرهنگی»^۶ پی‌ریزی کردند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۵). آثار متعدد الکساندر در این زمینه موثر بوده است؛ به ویژه کتاب «عرصه مدنی»^۷ (۲۰۰۶) و پیش از آن کتاب "معنای زندگی اجتماعی: جامعه‌شناسی فرهنگی"^۸ (۲۰۰۳). الکساندر و جورسکی در کتاب "قدرت اوباما" نشان داده‌اند که چگونه نمادسازی و روایت‌سازی متناسب به حفظ اوباما برای بار دوم در قدرت یاری رسانده است. این دو علت پیروزی اوباما را در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نه پول و منابع مادی و نه کثرت جمعیت سیاهپوستان می‌دانند، بلکه این پیروزی را نتیجه معناسازی رسانه‌ها در مورد اوباما عنوان می‌کنند (۲۰۱۴: ۱۴۱-۱۴۳). الکساندر بر آن است که در جهان فعلی ما هم به ارزش‌های فردگرایانه و هم به ارزش‌های جمع‌گرایانه نیاز داریم وی در سطح فردی به متغیرهای فرهنگی همچون مستقل بودن، فعال بودن، عقلانیت و خردمندی و هیجانی نبودن، واقع‌گرا بودن و داشتن خودکنترلی اشاره می‌کند (الکساندر، ۲۰۰۶: ۵۹-۵۷).

رونالد اینگلهارت از جمله محققان حال حاضر با رویکرد فرهنگی است که رابطه دیالکتیکی میان فرهنگ، سیاست و اقتصاد را تشریح کرده است. او در بازسازی نظریه کلاسیک نوسازی به نقد نظریه مارکس و پسینیان آن و هم نقد نظریه وبر و طرفداران آن پرداخته است و بر آن است که این سه بعد اجتماع بایکدیگر رابطه متقابل و تاثیرگذار دارند و اولویت دادن به اقتصاد یا فرهنگ اشتباه است (اینگلهارت، ۱۳۹۰: ۶).

اینگلهارت و ولزل معتقدند توسعه اقتصادی جوامع را سکولارتر، تساهل‌تر و معتمدتر می‌سازد و آنها را به تاکید بر ابراز وجود، مشارکت و تلاش در راستای ارتقاء کیفیت زندگی سوق می‌دهد (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۷۹). آنها توضیح می‌دهند که ارزش‌های ابراز وجود در اثر توسعه اقتصادی - اجتماعی به وجود آمده و نهایتاً منجر به توسعه انسانی می‌شود و جوامع انسان‌گراتر می‌شوند. در جوامع فراصنعتی پس از شکل‌گیری توسعه انسانی درخواست برای برابری افراد، حضور زنان در قدرت و تساهل افزایش می‌یابد و نهادها دموکراتیک‌تر می‌شود. این امر یعنی توسعه دموکراسی قویاً به فرهنگ و تغییرات فرهنگی مرتبط است، هرچند عوامل دیگری دخیل اند. پژوهش تجربی این محققان آنها را به این نتیجه سوق داده که در کشورهای کمتر توسعه یافته مردم به طور نسبی سطوح پایین‌تری از رضایت ذهنی، تساهل، اعتماد بین فردی و حمایت از برابری جنسیتی را دارند و در فعالیت‌های محیط‌زیستی مشارکت کمتری نشان می‌دهند. در حالی که در جوامع صنعتی‌تر گرایش بیشتری به ارزش‌های محیط‌زیست، مشارکت سیاسی - اجتماعی و

حمایت از جنبش زنان وجود دارد (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۸۹). در مجموع متغیرهای مهم فرهنگی که در فرایند پیشرفت نوسازی تغییر می‌کنند عبارتند از: استقلال فردی یا فردگرایی، رفاه ذهنی، اعتماد بین فردی، عملگرایی سیاسی و تساهل با برون گروه‌ها. همچنین در این نظریه به توسعه شناختی افراد در جریان نوسازی یا به سخن دیگر توسعه عقلانیت اشاره می‌شود. با خارج شدن انسان از انقیاد اجتماعی و زیستی، فرد با توسعه عقلانیت و خردگرایی روبرو می‌شود ولی در این زمینه تجربه عینی افراد نیز حائز اهمیت است.

در جمع بندی این بخش می‌توان گفت توجه به ارزش‌های برابری (تحت عنوان برابری‌های قومی و مذهبی، برابری جنسیتی، برابری زبانی و ...) عملگرایی و مشارکت، بسط عقلانیت (به معنی داشتن نگاه انتقادی)، تساهل در وجوه مختلف، اعتماد اجتماعی، فردگرایی به معنی استقلال بیشتر فردی و توجه به محیط زیست در جامعه متکثر امروز ایران می‌تواند روند نوسازی را در کنار عوامل اقتصادی و سیاسی تسریع بخشد. چنانچه این ارزش‌ها می‌تواند از طریق شتاب گرفتن نوسازی تقویت شود.

ب. جناح‌های سیاسی و فرهنگ

یکی از مهم ترین نظریه پردازان که رابطه میان دولت و فرهنگ را مورد توجه قرار داده است، آنتونیو گرامشی است. او از اصطلاح روشنفکران ارگانیک استفاده می‌کند. روشنفکران ارگانیک در روزنامه‌ها و نهادهای فرهنگی یا به زعم گرامشی «جامعه مدنی» حضور دارند. دولت از طریق تسلط بر جامعه مدنی (کلیسا، اتحادیه‌ها، احزاب، مدرسه‌ها، روزنامه‌ها و ...) فرهنگ را در اختیار می‌گیرد و از طریق آن بر افکار عمومی تاثیر و نابرابری را استمرار داده و از وقوع انقلاب پرولتاریا پیشگیری می‌کند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۵). بر اساس این دیدگاه می‌توان به تحلیل نقش جریان‌ها و جناح‌های سیاسی در ایران پرداخت.

جیمز مدیسون^۹ درباره تعریف جناح می‌نویسد: «جناح به عده‌ای از شهروندان - چه از گروه‌های اکثریت و چه از اقلیت - اطلاق می‌شود که به واسطه انگیزه‌ها، علایق و منافع مشترکشان متحد و برانگیخته شده‌اند. این گروه در رقابت با حقوق و یا منافع گروه‌های دیگری از شهروندان عمل می‌کنند» (موآر، ۲۰۰۵: ۴). با توجه به این تعریف در فضای سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی، در یک دسته بندی می‌توان جریان‌هایی سیاسی را در چهار دسته راست مذهبی، چپ مذهبی، احزاب ملی و مذهبی و جریان‌های سیاسی مستقل طبقه بندی کرد که ذیل هر یک از این جناح‌های سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی متفاوتی قرار می‌گیرد و این جریان‌های سیاسی در درون خود نیز تقسیم بندی‌هایی دارد (شادلو، ۱۳۹۱). از این جریان‌های سیاسی، دو جریان احزاب ملی، مذهبی و جریان مستقل موسوم به جریان سوم در دو دهه اخیر بنا به دلایل مختلف توفیق چندانی نداشته‌اند. مضافاً آنکه جریان ملی، مذهبی عملاً از صحنه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در این سال‌ها به دور بوده است.

در بیش از دو دهه گذشته جریان‌ها و احزاب سیاسی در قالب دو جناح «اصلاح‌طلب» و «اصولگرا» در صحنه سیاسی شناخته شده و فعالیت دارند. بایستی در نظر داشت که دسته‌بندی گروه‌ها و احزاب سیاسی در قالب جریان یا جناح سیاسی فرضی به حساب می‌آید و احزاب ممکن است در اصول کلی و خط مشی‌های سیاسی خود به اندازه کافی شفافیت نداشته باشند و یا در مواضع خود چرخش نشان داده و از یک جناح سیاسی متمایل به جناح دیگر شوند.

جناح اصلاح طلب مولود انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ است که باگفتن انتقادی به وضع موجود سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به ویژه در انتقاد به فضای نسبتاً بسته سیاسی وقت نمایان شد و از آن پس از این اصطلاح بیشتر به جای جناح چپ مذهبی استفاده شد. گروه اصولگرا نیز انشعاب یا تحرک جدیدی در جناح راست مذهبی بود که از انتخابات شوراهای شهر و روستا در سال ۱۳۸۱ با حضور گروه «ائتلاف آبادگران ایران اسلامی» رونمایی شد و در انتخابات سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی خود را تثبیت کرد. نقطه افتراق جناح‌های سیاسی در مولفه‌های سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصاد و روابط بین‌المللی، مذهب و فرهنگ قابل ردیابی است. در جدول شماره ۱، دیدگاه‌های دو جناح در این مقوله‌ها تشریح شده است. به نظر می‌رسد پیگیری امور سیاست خارجی و پیشبرد گفتمان مقاومت در منطقه در جناح اصولگرایی قدرتمندتر و توجه به سیاست داخلی و مسائل اجتماعی و فرهنگی در گروه اصلاح طلبان برجسته‌تر است.

جدول شماره ۱. دیدگاه‌های دو جناح سیاسی کشور

مقوله	اصلاح‌طلبان	اصولگرایان
اقتصاد	تاکید بر استفاده از سیاست مزیت نسبی به جای خودکفایی، اقتصاد آزاد و کاهش تصدی دولت در امور اقتصادی، پیوستن به بازارهای جهانی، توجه به توسعه اقتصادی، افزایش تجارت با کشورهای خارجی و توسعه صادرات	خودکفائی، مقاومت در برابر تحریم، توجه به بازار سنتی، تقدم عدالت اجتماعی بر توسعه، خصوصی‌سازی واحدهای تولیدی
سیاست خارجی	ارتباط با جهان در قالب عزتمندی، گسترش ارتباطات بین‌المللی، اعتقاد به اصل گفت‌وگوی تمدن‌ها	غرب‌ستیزی و آمریکاستیزی، حمایت از کشورهای تحت ستم مسلمان و صدور انقلاب، شکل-گیری امت اسلامی، گسترش جبهه مقاومت
سیاست داخلی	مشارکت سیاسی، دموکراسی، توسعه احزاب، برقراری آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های سیاسی در چارچوب قانون، توسعه جامعه مدنی، مشارکت در انتخابات به عنوان یک حق و نه تکلیف، مخالفت با نظارت استصوابی	اعتقاد راسخ به ولایت مطلقه فقیه، تداوم انقلابی‌گری و اجرای بدون تغییر ارزش‌های انقلاب اسلامی، اطاعت همه‌جانبه از رهبران مذهبی، مشارکت در انتخابات و راهپیمایی‌ها به عنوان یک وظیفه دینی
امور اجتماعی و فرهنگی	نظارت بر محصولات فرهنگی بعد از انتشار، حمایت از تولیدات بیشتر فرهنگی، مخالفت با برخورد سلیقه‌ای در حوزه	نظارت قبل از انتشار محصولات فرهنگی، اعتقاد به وجود تهاجم فرهنگی و لزوم برخورد قاطع با ظواهر آن مانند ماهواره، حفظ

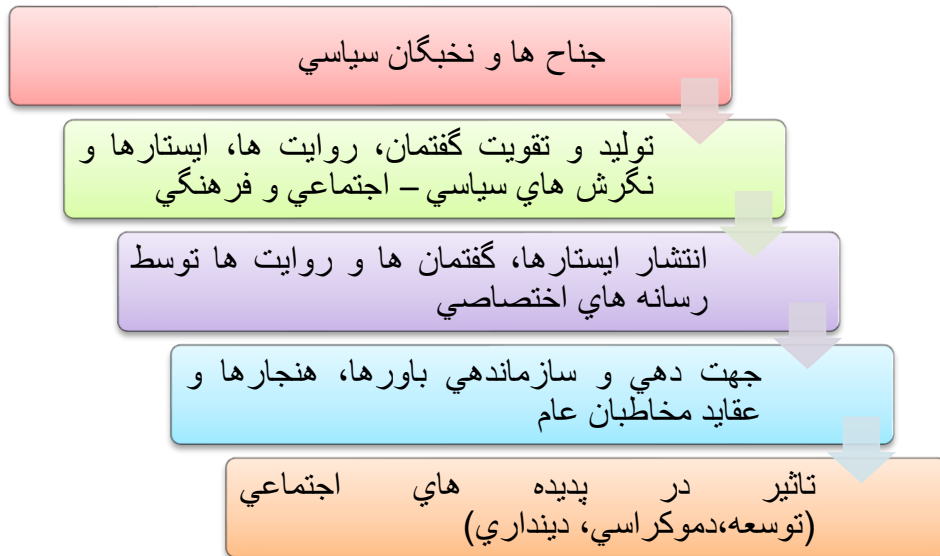
<p>ظاهر یک کشور مذهبی، نظارت اجتماعی و کنترل دقیق‌تر نهادهای نظارتی و دولتی بر رفتارهای اجتماعی و فرهنگی، کنترل اینترنت و فیلترینگ</p>	<p>فرهنگ، تساهل با اقلیت‌ها، فضای باز اجتماعی، فرهنگی و هنری، ایجاد فرصت بروز برای اندیشه‌های گوناگون در قالب قانون، دخالت و کنترل کمتر دولت در امور اجتماعی و فرهنگی، مخالفت با فیلترینگ</p>	
<p>گفتمان اسلامی به عنوان گفتمان غالب در کشور در همه امور و اولویت با مسلمانان در امور اجرایی و غیراجرایی کشور، طرفداری از هژمونی یا توفیق نهاد دین بر سایر نهادها، تلاش در جهت دینی کردن عرصه‌های گوناگون مانند علوم انسانی، بانکداری، اقتصاد، شهرسازی و ...</p>	<p>نهاد دین به عنوان هدایتگر اخلاقی کنشگران، تفکیک نهاد دین از سایر نهادها، مدارا با اقلیت‌های مذهبی و گذر از تفاوت‌های کوچک مذهبی</p>	<p>مذهب و دین</p>

رسانه‌های سنتی و نوین در این میان نقش اساسی را برای جناح‌های سیاسی ایفا می‌کنند. ارائه اطلاعات درباره دنیا و جامعه، شکل‌دهی به هنجارهای اجتماعی، ساخت ارزش‌های مشترک و فرهنگ غالب و بسیج مردم از جمله کارکردهایی است که به زعم «دنيس مک‌کوئیل» می‌توان برای حضور رسانه‌ها در زندگی مردم برشمرد. نظریاتی مانند «برجسته‌سازی» و «چارچوب‌سازی» در امتداد هم بیان می‌کنند که رسانه‌ها چطور نه تنها به مردم می‌گویند که به چه چیزی توجه کنند، بلکه به آنها چگونه اندیشیدن درباره هر موضوع را هم دیکته می‌کنند. نظریاتی مانند «جامعه‌پذیری» نیز به ما می‌گویند که رسانه‌ها برای جامعه الگوی رفتاری می‌سازند، حتی نظریاتی مانند «نظریات تعاملی» که برای مردم در دریافت پیام‌ها نقش موثری قائلند، منکر اهمیت پیام‌های رسانه‌ای نیستند؛ چراکه معتقدند انسان‌ها پیام‌ها را دریافت می‌کنند و میان آنها و تجربیات خود تعامل برقرار می‌کنند.

جناح‌های سیاسی مطابق با آرای مورد نظر خود مطالب مورد نظر را در گزارش‌های خبری خود برجسته می‌کنند و به آن چارچوب می‌دهند و به این طریق، به مخاطبان خود درباره موضوعات مهم روز و نحوه نگاه به آن موضوعات، ذهنیت می‌دهند. نتیجه اقدامات و عملکردهای رسانه‌ای جناح‌های سیاسی می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم در فرایند نوسازی از طریق صورت‌بندی‌های فرهنگی موثر باشد. چنانچه خالد

و همکاران (۲۰۱۵) توضیح داده‌اند: «علاوه بر نقش‌های اطلاع‌رسانی، آموزشی و سرگرمی، رسانه‌ها به شیوه‌های اقناعی نیز بر جامعه تاثیر می‌گذارند، به این معنا که تلاش‌هایی را انجام می‌دهند تا مردم را برای داشتن جهت‌گیری خاص یا انجام اقداماتی مشخص، متقاعد کنند. اهمیت نقش رسانه‌ها در توسعه ملی، به دلیل توانایی آنها در آموزش، دستکاری اطلاعات، ایجاد حساسیت و بسیج مردم درباره یک موضوع خاص است» (ص ۴۹). هرچند در حال حاضر جناح‌های سیاسی از وسائل ارتباط جمعی نوین و شبکه‌های اجتماعی برای در اختیار گرفتن افکار عمومی و تسلط بر قدرت سیاسی بهره می‌گیرند، اما روزنامه‌تربیان و کانال ارتباطی سنتی جناح‌های سیاسی را شکل می‌دهد. از آنجا که عمدتاً روزنامه‌های منتشره در کشور به یکی از جناح‌های سیاسی اصولگرا یا اصلاح‌طلب وابسته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که این دو جریان سیاسی رقیب در کشور دو سوی بازی‌های رسانه‌ای-روزنامه‌ای داخلی را شکل می‌دهند.

نمودار شماره ۱ خلاصه‌ای از چارچوب مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.



فرضیه‌های تحقیق

- ۱- فراوانی مقوله فرهنگ در تم اصلی سرمقاله‌های روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا تفاوت معنادار دارد.
- ۲- فراوانی ارزش‌های نوسازی (برابری، تساهل،...) در سرمقاله‌های روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا تفاوت معنادار دارد.

روش تحقیق

این مقاله از روش «تحلیل محتوا» با رویکرد تحلیل کمی سود جسته است. جامعه تحقیق، روزنامه‌های متناسب به دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب است. روش نمونه‌گیری «ترکیبی» و «چند مرحله‌ای» است؛ بدین ترتیب که در مرحله نخست نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با معیار کمی تیراژ، روزنامه‌های کیهان و اعتماد به ترتیب به عنوان نمایندگان روزنامه‌های اصولگرا و اصلاح طلب انتخاب شد. در مرحله دوم، در میان اسناد، انتخاب تصادفی سیستماتیک انجام شد. برای این منظور چهار ماه اردیبهشت، شهریور، دی و اسفند سال ۱۳۹۷ به صورت تصادفی (از هر نیمسال ۲ ماه) انتخاب شد و سپس از هر ماه ۱۰ شماره آخر ماه به صورت تصادفی انتخاب شد. به این ترتیب حجم نمونه را ۸۰ سرمقاله از دو روزنامه تشکیل داد.

ب) مقوله‌سازی و واحدهای تحلیل

با توجه به دو محور تحقیق؛ یعنی بررسی مضامین اصلی (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) در سرمقاله‌های دو روزنامه و بررسی ارزش‌های توسعه، دو شیوه مقوله‌سازی اجرا شد. در مرحله اول با استفاده از روش مقوله‌سازی «استقرایی» پس از مطالعه مکرر سرمقاله‌ها مضامین اصلی استخراج شد. در این مرحله «واحد زمینه» سرمقاله و «واحد ثبت» تم یا مضمون است. در مرحله دوم «روش قیاسی» در فرایند مقوله‌سازی مورد استفاده قرار گرفت و مقوله‌ها مبتنی بر نظریات به دست آمد. در این مرحله واحد زمینه «جمله» و واحد ثبت «کلمه یا واحد معنایی» و کلمات مترادف و هم معنی ارزش‌ها است. «سیستم شمارش» در هر دو مرحله با واحد ثبت برابر است. بدین ترتیب مقوله‌سازی مرحله اول از نوع «موضوعی» و مقوله‌سازی مرحله دوم از نوع «ارزشی» است.

ج) کدگذاری و تعریف عملیاتی متغیرها

در مرحله اول سرمقاله‌های دو روزنامه به تفکیک تاریخ انتشار کدگذاری شد، سپس برای مقوله‌سازی مرحله اول بعد از مطالعه مکرر و استخراج مضامین سرمقاله‌ها موضوع‌ها یا مضامین کدگذاری شد. برای پاسخگویی به پرسش دوم تحقیق نیز ارزش‌های مدنظر به عنوان واحدهای معنایی به همراه کلمات هم‌معنی، کدگذاری و داده‌ها در نرم‌افزار وارد شد.

جدول شماره ۲. شیوه کدگذاری و تعریف عملیاتی مقوله‌های پرسش اول تحقیق

کد	موضوع یا مضمون سرمقاله	مصادیق (تعریف عملیاتی)
۰۱	سیاست خارجی و امور بین‌الملل	موضوعات مربوط به برجام، رابطه با آمریکا و اروپا، سازمان ملل، جبهه مقاومت، مسائل یمن، مسائل منطقه‌ای، FATF و موارد مشابه
۰۲	سیاست داخلی	جناح‌های سیاسی، نقد و بررسی عملکرد قوای سه‌گانه و زیر مجموعه - های اداری - سیاسی قوا، فعالیت احزاب، فساد اداری، روش اداره کشور و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی
۰۳	امور اقتصادی	مسائل اقتصاد کلان و خرد کشور، تورم، بیکاری، توسعه، تکنولوژی
۰۴	امور فرهنگی	امر مربوط به نشریات، هنر، هنرمندان، نویسندگان، نخبگان هنری، علمی و فرهنگی، مسائل دینی و مذهبی
۰۵	امور اجتماعی	مسائل مربوط به قومیت‌ها، زبان و اعتراض‌های اجتماعی، ورزش، مسائل زنان، جوانان و کودکان، اقشار تحت حمایت
۰۶	سایر	مواردی که در مقوله‌های فوق قرار نمی‌گیرد

جدول شماره ۳. شیوه کدگذاری و تعریف عملیاتی مقوله‌های پرسش دوم تحقیق

کد	ارزش	واژه های هم معنی و مصادیق
۰۱	برابری	برابری قومیتی، برابری جنسیتی، برابری طبقه‌ای، برابری مذهبی، برابری آموزشی، برابری سیاسی، اقلیت‌ها، مردم‌سالاری، دموکراسی
۰۲	مشارکت	مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، مشارکت اجتماعی و شهروندی، مطالبه‌گری
۰۳	عقلانیت	خرد، عقلگرایی، خردمندی، تدبیرگری، نقدگری، بلوغ فکری، عقلانی‌سازی
۰۴	تساهل	گفتگو، آزادی بیان، همزیستی مسالمت‌آمیز، همدلی، تعامل
۰۵	اعتماد	اعتماد به غریبه‌ها، اعتماد به نهادها
۰۶	فردگرایی	ابراز هویت فردی، تفرد و فردیت
۰۷	محیط زیست	حقوق حیوانات، سلامت محیط زیست، کمبود آب، آلودگی زیست محیطی

د) پایایی و روایی تحقیق

از آنجا که پایایی در تحلیل محتوا اصولاً به صراحت مقوله‌ها و فرایند کدگذاری و همچنین آموزش کدگذاران مربوط است (هولستی، ۱۳۷۳: ۲۱۰)؛ در این تحقیق با توجه به صراحت در مقوله‌ها و روشن بودن فرایند کدگذاری و آموزش اعضای تحقیق، عینیت تحلیل و پایایی حفظ شده است؛ ضمن آنکه کدگذاری توسط دو نفر اجرا و توافق رمزگذاران یا «پایایی فردی» حاصل شد. در مقوله‌سازی مرحله استقرایی، پایایی مقوله‌ها با مدارک تجربی روشن، قابل احصاء گردید و در «مقوله‌سازی قیاسی» نیز صراحت مقوله‌های مستخرج از نظریه‌ها و تحلیل کمی «واژه‌ها» و روشن بودن واحد کدگذاری، پایایی به دست آمد. با دقت در طرح نمونه‌گیری و پایایی مقوله‌ها و واحدهای تحلیل، اعتبار محتوا^۱ یا اعتبار صوری نیز حاصل شد. این نوع اعتبار نتایج تحلیل محتوا، مستلزم هیچ آزمون رسمی نبوده و کاملاً جنبه شهودی دارد (کریپندورف، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

یافته‌های تحقیق

۱. فرهنگ در تم اصلی سرمقاله های دو روزنامه

جدول شماره ۴. مقایسه مقوله‌های اصلی مورد تاکید در سرمقاله دو روزنامه

مقوله	روزنامه کیهان		روزنامه اعتماد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سیاست خارجی	۲۸	۷۰	۸	۲۰
سیاست داخلی	۶	۱۵	۱۳	۳۲.۵
اقتصاد	۳	۷.۵	۱	۲.۵
فرهنگ	۲	۵	۷	۱۷.۵
اجتماعی	-	-	۴	۱۰
سایر	۱	۲.۵	۷	۱۷.۵
جمع	۴۰	۱۰۰	۴۰	۱۰۰

درصد ها ستونی محاسبه شده است

مطابق با نتایج حاصل از جدول شماره ۴، مشاهده می‌شود که ۷۰ درصد از سرمقاله‌های مورد مطالعه از روزنامه کیهان به سیاست خارجی اختصاص یافته است، این رقم درباره روزنامه اعتماد ۲۰ درصد است. همچنین در حالی که موضوع اصلی حدود ۳۲.۵ درصد از سرمقاله‌های روزنامه اصلاح طلبان به سیاست داخلی اختصاص یافته، این رقم برای روزنامه اصولگرایان حدود ۱۵ درصد است. مقوله فرهنگ به طور اعم، در روزنامه اعتماد فراوانی درصدی ۱۷.۵ را نشان می‌دهد و در مقایسه با روزنامه کیهان که ۵ درصد از سرمقاله‌های خود را به موضوعات فرهنگی اختصاص داده است، اهمیت ۳.۵ برابری را نتیجه می‌دهد.

در مورد مسائل اجتماعی نیز روزنامه اعتماد با ۱۰ درصد سرمقاله‌ها توجه بیشتری نشان داده، در حالی که هیچ سرمقاله‌ای در روزنامه کیهان به موضوع اجتماعی نپرداخته است. درباره مسئله اقتصاد، کیهان دست بالاتر را دارد و فراوانی ۷.۵ درصد را در مقایسه با ۲.۵ درصد در روزنامه اعتماد، ثبت کرده است. آنچه از جدول شماره ۴ حاصل می‌شود؛ این است که امور فرهنگی و اجتماعی که ارزش‌های نوسازی را در خود جای می‌دهد، بیشتر مورد نظر روزنامه اصلاح طلبان بوده است و روزنامه کیهان به آن کمتر پرداخته است.

مقوله نقد سیاست خارجی دولت در اولویت روزنامه اصولگرایان قرار دارد، در حالی که روزنامه اعتماد، سیاست داخلی را مهم‌تر از سیاست خارجی می‌داند. کیهان در سه مورد به مسایل اقتصادی با گرایش قانون‌گرایی پرداخته است. این مورد در روزنامه اعتماد تنها یک سرمقاله را در برمی‌گیرد.

فرضیه یک: « فراوانی مقوله فرهنگ در تم اصلی سرمقاله‌های روزنامه‌های اصلاح طلب و اصول‌گرا تفاوت معنادار دارد».

جدول شماره ۵. آزمون کای اسکوئر فرضیه یک

سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون کای اسکوئر
۰.۰۰	۳	۲۰.۴۶۸

به منظور به دست آمدن نصاب لازم در خانه‌های جدول مقوله‌های اقتصادی و اجتماعی در مقوله سایر ادغام شد.

طبق آزمون انجام شده، که در جدول شماره ۵ منعکس است؛ کای اسکوئر برابر است با ۲۶.۰۳۹ با درجه آزادی ۶ و اندازه سطح معناداری صفر. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان، فرضیه تایید می‌شود، به این معنا که فراوانی پرداختن به مقوله فرهنگ در تم اصلی سرمقاله‌های دو روزنامه تفاوت معناداری به نفع روزنامه اصلاح طلب دارد.

۲. فراوانی ارزش‌های نوسازی در سرمقاله‌های دو روزنامه

جدول شماره ۶. مقایسه فراوانی واژه‌های ارزش‌های نوسازی در سرمقاله‌های دو روزنامه

جمع	روزنامه اعتماد		روزنامه کیهان			
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۱۰۰	۱۱۰	۶۵	۷۲	۳۵	۳۸	برابری
۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۰	۰	فردگرایی
۱۰۰	۴۳	۴۲	۱۸	۵۸	۲۵	عقلانیت
۱۰۰	۱۹	۸۴	۱۶	۱۶	۳	تساهل

مشارکت	۷	۴۱	۱۰	۵۹	۱۷	۱۰۰
محیط زیست	۰	۰	۱۴	۱۰۰	۱۴	۱۰۰
اعتماد عمومی	۵	۸۳	۱	۱۷	۶	۱۰۰

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که در زمینه دو ارزش عقلانیت و اعتماد، روزنامه کیهان تاکید بیشتری بر استفاده از این واژه‌ها داشته است؛ اما در حوزه‌های دیگر، روزنامه اصلاح طلبان دست بالا را در کاربرد واژه‌های مرتبط با نوسازی دارد، به طور مثال، برابری و واژه‌های زیرمجموعه آن، ۷۲ بار در روزنامه اعتماد و ۳۸ بار در روزنامه کیهان به کار رفته است. فردگرایی در روزنامه اصولگرا فراوانی نداشته است اما در روزنامه اصلاح طلب یک بار به کار برده شده است. تساهل و واژه‌های مترادف آن ۱۶ بار در سرمقاله‌های روزنامه اعتماد انعکاس یافته است؛ در حالی که کیهان تنها ۳ بار از آنها استفاده کرده است. واژه‌های مرتبط با مشارکت در روزنامه اعتماد فراوانی ۱۰ و در روزنامه کیهان فراوانی ۷ داشته است. واژه‌های مربوط به محیط زیست هم در روزنامه اصلاح طلب ۱۴ مرتبه دیده می‌شود، اما در روزنامه اصولگرا فراوانی صفر دارد.

ارائه این توضیح ضروری است که نویسندگان سرمقاله‌های کیهان واژه‌های کلیدی مورد نظر را در معنا و جایگاه‌های مختلف به کار برده‌اند که لزوماً با ارزش‌های توسعه منطبق نیستند. کلماتی که بر حقوق شهروندان، ملت و مردم دلالت دارند، ۷ بار در اعتماد و ۵ بار در کیهان استفاده شده است. واژه‌هایی که به شکل صریح، ارزش برابری را در برمی‌گیرد، مانند «برابری، برابری جنسیتی، برابری اقلیت‌ها» در هیچ کدام از دو روزنامه به کار نرفته است. ارزش «فردگرایی» تنها یک بار با عبارت «آزادی فردی» در روزنامه اصلاح طلب به کار رفته و در روزنامه کیهان فراوانی ندارد.

واژه «عقلانیت» و زیرمجموعه‌های آن مانند «خرد»، «تدبیر»، ۲۵ بار در روزنامه اصولگرا و ۱۸ بار در روزنامه اصلاح طلب مشاهده می‌شود. کیهان واژه‌های این مجموعه را برای نقد عملکرد دولت که با شعار «تدبیر و امید» روی کار آمده، به کار برده است.

درباره زیرمجموعه «تساهل» باید گفت که ۱۶ بار توسط سرمقاله‌نویسان روزنامه اعتماد به کار رفته است و تنها ۳ بار در توسط نویسندگان کیهان استفاده شده است. این سه مورد معطوف به استفاده از واژه «تعامل» بوده است که در دو مورد منظور از کاربرد واژه، اشاره به تعاملات اقتصادی و تجاری و نقد ارتباط دولت فعلی با جهان غرب است و محتوای آن با تساهل با دیگران و پرهیز از خشونت همسان نیست. در برابر آن، در روزنامه اعتماد، واژه‌های نزدیک به تساهل ۱۶ فراوانی دارد. واژه «تساهل» دو مورد در روزنامه اعتماد استفاده شده است که در هر دو مورد با معنای مورد نظر ما تطابق دارد، این روزنامه در تاریخ ۲۵ اسفند

می‌نویسد: «ادعای تساهل، تسامح و همزیستی اقوام و مذاهب در کنار یکدیگر، امروز به یک خاطره دوردست تبدیل شده است» (اعتماد: ۱۳۹۷). واژه «تعامل» نیز در این روزنامه در معنای تعامل با دنیا و تساهل در ارتباط با جهانیان به کار رفته است.

از مجموعه کلمات «مشارکت»، در روزنامه کیهان، شاهد یک مورد استفاده از «مردم‌سالاری دینی» و ۶ مرتبه واژه «مشارکت» هستیم. واژه «مشارکت» در این ۶ کاربرد، معنی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و مسائل سیاسی کشور را ندارد، و عمدتاً به معنی مشارکت در بازسازی کشورهای در حال جنگ در منطقه است.

واژه «اعتماد» ۳۸ بار در روزنامه اصولگرا و ۹ بار در روزنامه اصلاح طلب استفاده شده است. این واژه در ذهن نویسندگان کیهان در اغلب موارد بر لزوم بی‌اعتمادی به امریکا تأکید دارد. علاوه بر «بی‌اعتمادی به امریکا» که تعداد زیادی از این ۳۸ بار استفاده را به خود اختصاص داده است، اعتماد عمومی و جلب اعتماد مردم هم در چند مورد در محتوای کیهان به چشم می‌خورد که نسبت به سایر کاربردهای واژه اعتماد در این روزنامه، تطابق بیشتری با ارزش‌های مد نظر ما در این مقاله دارد. این روزنامه در سرمقاله ۲۱ شهریور می‌گوید: «گفتاردرمانی، دادن وعده‌های نسیه و غیرقابل اجرا و دوگانگی مزمن بین حرف و عمل، اعتماد بخش مهمی از جامعه را از روحانی سلب کرده است» (کیهان: ۱۳۹۷).

کلمه «محیط زیست» در روزنامه اصولگرا فراوانی ندارد، اما روزنامه اصلاح طلب، ۱۴ مرتبه این واژه را در مطلب ۲۴ دی خود به کار برده است که ناظر بر اولویت حفظ محیط زیست و لزوم ارائه بودجه برای آن است.

فرضیه دوم: « فراوانی ارزش‌های نوسازی در سرمقاله‌های روزنامه‌های اصلاح طلب و اصول‌گرا تفاوت معناداری دارد».

جدول شماره ۷. آزمون کای اسکوئر توزیع فراوانی واژه‌ها در سرمقاله‌های دو روزنامه کیهان و اعتماد

سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون کای اسکوئر
۰.۰۰۲	۴	۱۶.۶۰۴

به منظور به دست آمدن نصاب لازم در خانه‌های جدول ارزش فردگرایی به دلیل فراوانی

اندک کنار گذاشته شد و ادغان سطری انجام شد

جدول شماره ۷ آزمون کای اسکوتر فرضیه دوم را نشان می‌دهد. طبق آزمون انجام شده، کای اسکوتر برابر است با ۲۵.۶۴۲ با درجه آزادی ۶ و اندازه سطح معناداری صفر است، بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان، فرضیه دوم تایید می‌شود؛ بدین معنی که فراوانی توزیع واژه‌های مرتبط با ارزش‌های نوسازی در دو روزنامه تفاوت معنادار به نفع روزنامه اصلاح‌طلبان وجود دارد.

نتیجه‌گیری

برابر دیدگاه‌های نظری قدیم و جدید بیان شده در این نوشتار، ریل‌های فرهنگی متناسب، حرکت قطار توسعه و نوسازی اقتصادی - اجتماعی را روان‌سازی می‌کند. همچنین شتاب نوسازی نیز رخسار فرهنگی جامعه را دستخوش تغییرات نسبتاً اساسی می‌سازد. در این میان نخبگان و جریان‌های سیاسی با تمرکز بر امور مربوط به نوسازی و ارزش‌های مرتبط با نوسازی می‌توانند بر روند حرکتی فرهنگی تاثیرگذار باشند. در این مقاله سرمقاله‌های دو روزنامه منتخب مورد بررسی قرار گرفت. این کنکاش روشمند از طریق طرح دو شاخص ۱- اهتمام به مقوله فرهنگ در تم اصلی سرمقاله‌های روزنامه‌های دو جناح؛ و ۲- بررسی فراوانی انعکاس واژه‌های مربوط به ارزش‌های نوسازی در سرمقاله‌ها به انجام رسید.

این تحقیق نشان داد که مقوله سیاست خارجی اولویت نخست در روزنامه اصولگرا است. چنانچه مطالعات پیشین نیز بر این نکته تاکید کرده و بیان داشته‌اند که سیاست خارجی با شعارهای «انقلابی»، «مقابله با نفوذ غرب»، «استکبارستیزی» و سیاست «صدور انقلاب» برای اصولگرایان در درجه اهمیت بالایی قرار دارد (شادلو، ۱۳۹۱، شالچی و رحیمی، ۱۳۹۶). برای طیف اصولگرا دو بعد سیاسی و مذهبی برجسته‌تر از سایر ابعاد است و بعد اجتماعی برای آنها در اولویت‌های بعدی است. در روزنامه کیهان سرمقاله‌ای که صرفاً دغدغه اجتماعی داشته باشد یافت نشد. این نکته نیز نشان می‌دهد که جناح اصولگرا مسائل اجتماعی را از دریچه سیاست یا مذهب می‌نگرد و به طور مستقل به آن اهمیت نمی‌دهد. مقوله فرهنگ در این روزنامه نیز بیشتر در موضوع مذهب تحدید شده است که با درجه اهمیت بالایی که اصولگرایان برای مذهب قائل هستند، دور از ذهن نیست. از سوی دیگر، ارزش‌های سیاسی اصلاح‌طلبان معطوف به «ارتباط با جهان»، «قانون‌گرایی» و «مشارکت سیاسی» است (شالچی و رحیمی، ۱۳۹۶)، که نتایج حاصل از مقاله این موضوع را نیز تایید می‌کند. اصلاح‌طلبان، در نخستین اولویت خود بر دو مورد «قانون‌گرایی» و «مشارکت سیاسی» تاکید دارند که موید تکیه بر سیاست داخلی است و در مورد سیاست خارجی، تاکید آنها بر «ارتباط با جهان» است.

نتایج این پژوهش نشانگر این است که در سرمقاله‌های روزنامه اصلاح‌طلبان، اولویت اول به سیاست داخلی و پس از آن به سیاست خارجی اختصاص یافته است. بررسی‌ها نشان داد نویسندگان روزنامه اعتماد در چندین مورد موضوع سرمقاله روز خود را به امور اجتماعی تخصیص داده‌اند. مسائل فرهنگی نیز برای روزنامه اعتماد اولویت نسبتاً بالایی دارد. دیدگاه فرهنگی اصلاح‌طلبان معطوف به نظارت بر محصولات فرهنگی بعد از انتشار، حمایت از تولیدات بیشتر فرهنگی، مخالفت با برخورد سلیقه‌ای در حوزه فرهنگ،

تساهل با اقلیت‌ها، فضای باز اجتماعی، فرهنگی و هنری، ایجاد فرصت بروز برای اندیشه‌های گوناگون در محدوده قانون، دخالت و کنترل کمتر دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و مخالفت با فیلترینگ است که نشان از اهمیتی است که اصلاح‌طلبان برای توسعه فضای باز فرهنگی قائل هستند. در مقابل، باورهای جناح اصولگرا در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی شامل نظارت قبل از انتشار محصولات فرهنگی، اعتقاد به وجود تهاجم فرهنگی و لزوم برخورد قاطع با ظواهر آن، مانند ماهواره، حفظ ظاهر یک کشور مذهبی، نظارت اجتماعی و کنترل دقیق‌تر نهادهای نظارتی و دولتی بر رفتارهای اجتماعی و فرهنگی، کنترل اینترنت و فیلترینگ، بیانگر نظارت بر امور اجتماعی و فرهنگی برای نگهداشتن این دو حوزه در چارچوب باورهای مذهبی اصولگرایان است.

بررسی‌های این مقاله بر روی روزنامه‌های دو جناح سیاسی کشور نشان می‌دهد که هر کدام از جناح‌های سیاسی کشور، اولویت‌های ارزشی خود را پیگیری و درصدد ترویج ارزش‌ها و شاخصه‌های جناحی مورد نظر خود است که لزوماً با ارزش‌های توصیه شده برای نوسازی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هم‌راستا نیست. اگرچه ارزش‌های مورد نظر روزنامه‌های اصلاح‌طلب قریب‌بیشتری با ارزش‌های نوسازی پذیرفته شده در جهان دارد. در سرمقاله‌های هر دو روزنامه، ارزش‌های مرتبط با نوسازی کمتر از آنچه شایسته است مورد دقت قرار گرفته است، اما در این میان روزنامه‌های جناح اصولگرا، کاستی‌های بیشتری را نشان می‌دهد. درحالی‌که به نظر می‌رسد نوسازی و پیشرفت جامعه بیشتر نیازمند ارتقاء ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مربوط به تربیت و تعالی روابط بین فردی و نیز میان حکومت و مردم است، این روزنامه‌ها منازعات سیاسی خارجی را سرلوحه سرمقاله‌های خود قرار داده و به آن بیشتر پرداخته‌اند. باید در نظر داشت که این موضوع می‌تواند در بلندمدت، میان‌مدت و حتی کوتاه‌مدت خلاءهای بیشتری را در زمینه روابط اجتماعی و بین‌فردی و میان مردم و حکومت آشکار کند. جامعه ترکیبی پیچیده از نهادها، ساختارها، فرایندها و سطوح مختلف کنش‌های متقابل اجتماعی میان کنش‌گران، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی هم‌راستا یا متنازع است و حرکت تکاملی جامعه نیازمند تامل و توجه به تمامی وجوه و سطوح است، به طوری که پرداختن تنها به یکی از این ابعاد و فراموشی یا کم‌توجهی به سایر جنبه‌ها، می‌تواند کشور را دچار مشکلات اساسی کند.

هرچند این موضوع به صورت مستقیم ردپای اندکی در پژوهش‌های علمی داشته است، لیکن منصورزاده (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان «تاثیر فرهنگ‌سازی سیاسی رسانه ملی بر فرآیند آتی توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی» بر آن است که رسانه ملی ایران با تلاش وافر برای انعکاس صدای یک جریان سیاسی خاص بیش از سایر جریان‌ها، و با مقدس‌سازی بعضی مقولات، عرصه و دایره نقد و تضارب آرا را بسیار محدود ساخته است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش شایسته است سیاستگذاران جریان‌های سیاسی کشور را دعوت به تمرکز بیشتر بر امور فرهنگی و اصلاحات رفتاری و نگرشی مخاطبان و علاقه‌مندان خود نمود. توجه کاربردی و

عملیاتی نویسندگان و روزنامه‌نگاران به چگونگی عینیت یافتن ارزش‌های فرهنگی نوسازی که تمام آنها منطبق بر ارزش‌های دینی و اسلامی است می‌تواند زمینه را برای اجرای برنامه‌های توسعه فراهم آورد و از مشکلات حال حاضر جامعه ایران بکاهد. تمرکز بیشتر بر راهکارهای افزایش اعتماد بین فردی، اعتماد نهادی، تشویق فعال‌گرایی، مشارکت‌پذیری عمومی و نگاه عمیق به اصل مهم برابری اقوام، مذاهب و برابری جنسیتی جامعه را آماده همکاری و همدلی بیشتر برای مشارکت در برنامه‌های نوسازی می‌سازد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷)، ایران بین دو انقلاب، مترجم احمد گل محمدی، تهران: نشر نی
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۹۱)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- اسمیت، فیلیپ و رایلی، الگزندر (۱۳۹۴)، نظریه فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی
- پاتنام، روبرت (۱۳۹۲)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات جامعه شناسان
- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی ایران، جامعه کژ مدرن. تهران: نشر نی
- جمالزاده، محمد علی (۱۳۴۵)، خلیقیات ما ایرانیان، تهران: انتشارات مجله مسائل ایران
- چلپی، مسعود (۱۳۹۲)، بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: نشر نی
- دوتوکویل، الکسی (۱۳۹۳)، تحلیل دموکراسی در امریکا، مترجم رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: نشر علمی و فرهنگی
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی
- شادلو، عباس (۱۳۹۱)، اطلاعاتی در باره احزاب و جناح‌های سیاسی در ایران امروز، تهران: نشر وزراء
- شارون، جوئل (۱۳۹۵)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، مترجم منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- شالچی، وحید؛ رحیمی، سرکو (۱۳۹۶). فهم دیگری در فضای مجازی؛ مطالعه دو جناح سیاسی اصولگرا و اصلاح طلب. فصل نامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره دهم، شماره ۴
- غنی نژاد، موسی (۱۳۸۲)، تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران: نشر مرکز
- فراستخواه، مسعود (۱۳۹۴)، ما ایرانیان (زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقیات ایرانی)، تهران: نشر نی

- فوران، جان(۱۳۸۳)، مقاومت شکننده، مترجم احمد تدین، تهران: انتشارات رسا
- کاتوزیان، محمدعلی(۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز پرتوی، تهران: انتشارات مرکز
- کریپندورف، کلوس(۱۳۸۳)، تحلیل محتوا مبانی روش شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی
- محمدی اصل، عباس(۱۳۹۰)، گنج رایگان درآمدی بر جامعه شناسی ایران امروز، تهران: انتشارات جامعه شناسان
- مرتجی، حجت(۱۳۷۸)، جناح‌های سیاسی در ایران امروز(۱) دهه هفتاد، تهران: انتشارات نقش و نگار
- مسلم، مهدی(۱۳۸۴)، دولت و سیاست جناحی در جمهوری اسلامی ایران، نسخه اینترنتی فصل‌نامه فرهنگی اجتماعی گفتگو، شماره ۴۵. <http://www.goftogu.com/article/2013/06/post-40.html>، بازیابی شده در ۲۴ خرداد ۹۸
- منصورزاده، محمداقرا؛ عیوضی، محمدرحیم(۱۳۹۰)، تاثیر فرهنگ سازی سیاسی رسانه ملی بر فرآیند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، نشریه مطالعات روابط بین الملل، دوره ۴، شماره ۱۵
- مهدی زاده، سیدمحمد(۱۳۹۵)، نظریه‌های رسانه‌ها، اندیشه‌های رایج و دیدگاه انتقادی، تهران: انتشارات همشهری
- نراقی، حسن(۱۳۸۸)، جامعه شناسی خودمانی، چرا درمانده ایم؟، تهران: نشر اختران
- هولستی، آل-آر(۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- اینگلهارت، رونالد(۱۳۹۵)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر
- اینگلهارت، رونالد(۱۳۹۰)، نوسازی و پسا نوسازی، ترجمه علی مرتضویان در نوسازی(مجموعه مقالات)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات
- اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین(۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر

- Alexander, Jeffrey C (2006), THE Civil Sphere, NEWYORK OXFORD University Press. -
- Alexander, Jeffrey C. (2003), THE Meanings of Social Life: A Cultural Sociology. New York: Oxford University Press. -
- Modernization, Cultural Ingelhart, Ronald; Welzel, Christian (2005), Change and Democracy. -
- Media and Khalid, Malik Zahra; Ahmed, Aaliya; Mufti, Sabeha (2015). Development in Society: Continuity and Challenges. IOSR Journal OF Humanities & Social Science (IOSR-JHSS). Volume 20, Issue 11, Ver. II. -
- Moar, Moshe (2005). Political Parties and Party Systems. London. Routledge publishing company -

یادداشت‌ها

تحلیل محتوای سرمقاله‌ی روزنامه‌های اصلاح طلب و اصولگرا از منظر تاکید بر ارزش‌های نوسازی (مورد مطالعه: روزنامه‌های کیهان و اعتماد)

-
- ¹ Good society
² Rationality
³ Patterned variables
⁴ Path dependent
⁵ Structural Hermeneutics
⁶ Cultural sociology
⁷ Civil sphere
⁸ The meaning of social life: cultural sociology
⁹ James Madison
¹⁰ Content validity